

شرق

روزنامه

قاب جادو

دایره‌ای که بیهوده ضخیم شد



مازیار فکری‌ارشد

صداسوسیماسیر چنبره‌ای از بن‌بست‌های خواسته و ناخواسته شده که مانع از جذب و راضی نگه‌داشتن مخاطب می‌شوند. از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و تحول بنیادین در ساختار اداره و تولید محتوا در رادیو و تلویزیون، مفاهیم و تعاریف تازه‌ای بر شمایل کلی و عمومی برنامه‌ها حاکم شد. این روند به شکلی طبیعی و بدیهی ناشی از تعاریف تازه‌ای می‌شد که آرمان‌های یک ملت انقلاب‌کرده را بازتاب می‌داد. خطرقرمزهایی معین شد که بیشتر دایره اخلاق عرفی، شرع و سیاست را دربر می‌گرفت. اما در گذر زمان پیرایه‌هایی بر این آرمان‌های درست افزوده و دایره خطرقرمزها روزه‌روز وسیع‌تر شد.

زمان گذشت و زمانه عوض شد. فناوری‌های ماهواره‌ای چنان پیشرفت کرد که باوجود محدودیت، دیگر سازمان صداسوسیمای ملی تنها میهمان شبانه خانه‌های مردم نبود. ابتدا تصور این بود که با ممنوعیت و جمع‌آوری می‌توان این رقیب را از میدان به‌در کرد و بر سلطه خیالی در این بازار رقابتی کاملاً مبتنی‌بر چرخه عرضه و تقاضا ادامه داد. اما تجربه نشان داد که راهش این نیست. روزه‌روز بر تعداد رقبایی که حتی ۱۰ درصد بودجه این سازمان عریض‌وطویل را هم در اختیار نداشتند ولی به‌لحاظ جذب مخاطب در این بازی ناگزیر پیش می‌افتادند، افزوده می‌شد. زمانی تصمیم گرفته شد برای مقابله با این اوضاع نابسامان، نهضت ساخت تله‌فیلد و سریال به راه بیفتد. حتی فیلم‌سازان نامدار و معتبر سینما – که تاکنون گذرشان هم به حوالی جام‌چم نیفتاده بود- دعوت به همکاری شدند. صدها تله‌فیلد و سریال با نام‌های دهان‌پرکن تولید شدند و روی آنتن رفتند و کسی آنها را ندید؛ ندید، چون همچنان صداسوسیمای خط‌کشی کُتی در دست گرفته بود و کیفیت را نتوانست کنترل کند؟ شاید، ولی مشکل اصلی این هم نبود.

ظهور و بروز چندین شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان، صداسوسیمای را به چالشی عمیق و جدی افکنده است. این شبکه‌ها با ارزش‌ها و ملک‌های خود برنامه می‌سازند و صداسوسیمای اساساً با اهداف تعریف‌شده دیگری فعالیت می‌کند. در برخی موارد برای نزدیک‌شدن شکلی به برخی برنامه‌های قابل‌بازتولید با مفاهیم جاری، تلاش‌هایی صورت گرفت که از همان ابتدا هم محکوم به شکست بوده‌اند. حتی برخی مدیران رده‌های پایین به شکلی غیررسمی از تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان زیردست خود خواستند. به‌لحاظ فهم از برنامه‌های موفق شبکه‌های ماهواره‌ای تقلید کنند. اما این تقلیدها چنان ناشیانه و فاقد انگیزه معنایی بود که گاه در افکار عمومی و بازتاب آن در شبکه‌های اجتماعی، دست انداخته شدن و دست‌مایه لطیفه‌های فوری و روزمره قرار گرفتند. بالاخره راه چاره چیست؟

ببایید ابتدا در مورد این اصل بدیهی به توافق برسیم. صداسوسیمای ما، برخی جذابیت‌ها و کشش و کشش‌های مخاطب‌پسند را نمی‌تواند و نباید بازتولید کند. خطرقرمزهای آرمانی و انقلابی بر رادیو و تلویزیون همچنان پابرجاست. اما بحث تازه از اینجا به‌بعد آغاز می‌شود. اشاره کردم که در گذر زمان مواردی بر این اصول آرمانی و تعاریف اولیه افزوده شد. به نظر می‌رسد سازمان صداسوسیمای و مخاطبان و دستگاه‌های دیگر، باید روزی به این نتیجه برسند که می‌توان این خطوط قرمز عرفی را کمی به عقب راند و به مرزهای واقعی تعریف‌شده در بدو پیروزی انقلاب رساند. می‌توان برنامه‌هایی جذاب تولید کرد که نه مبانی شرع اسلام را خدشه‌دار کنند و نه به عرصه مخالفت یا معاندت با ارزش‌های انقلاب و اصول نظام بیفتند و درعین‌حال موفق به جذب مخاطب شوند. حلقه بایدهاوبنبادهای فعلی رسانه ملی هرروز تک‌تک می‌شود. تولید فیلم، سریال یا برنامه‌ای که چندسال پیش بدون ایجاد مشکلی در تلویزیون روی آنتن می‌رفت، امروز عملاً ناممکن است. عرصه چنان بر برنامه‌سازان تنگ شده که یا عطای همکاری را صداسوسیمایا را به لقلایش می‌بخشند یا به کار سردستی و بی‌انگیزه رضایت می‌دهند. حاصل این بی‌انگیزگی هم بی‌تدری در برنامه هویدا می‌شود و مخاطب را از خود دور می‌کند. تا زمانی که این خطوط قرمز اضافه برداشته نشوند، وضعیت همین است که مشاهده می‌کنیم.



دریچه

پل‌ها و سربازها در گالری ایوان

شرق: دو مجموعه از آثار نقاشی امیرحسین زنجانی در گالری ایوان به نمایش درآمد. گالری تازه‌تأسیس ایوان در دومین نمایشگاه خود از روز جمعه ۲۴ اردیبهشت میزبان آثار امیرحسین زنجانی شده است. در این مجموعه که شامل ۱۷ تابلوی نقاشی رنگ‌وروغن است، پل‌ها سوژه نقاش شده‌اند. زنجانی در توضیح آثار خود گفت: مجموعه پل از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و بعد از مدتی توقف، دوباره ادامه پیدا کرد. کار روی این مجموعه پنج سال طول کشیده است و بعد از این نمایشگاه هم ادامه خواهد داشت. او که اولین نمایشگاه خود را در سال ۸۶ برگزار کرده است درباره نحوه انتخاب موضوع کار خود گفت: از زمانی که به صورت رسمی وارد جریان هنر شدم به موضوع جنگ پرداختم، چون متولد سال ۵۹ و آغاز جنگ هستم و دوره رشد خود را در منطقه‌ای گذراندم که جنگ همیشه وجود داشت، به همین دلیل این موضوع نقش پررنگی در زندگی من داشت. با وجود این، به طور مستقیم به موضوع جنگ یا آثار ضدجنگ نپرداختم، بلکه حواشی جنگ و مسائل پیرامون آن را به صورت استعاری نمایش دادم. زنجانی ادامه داد: پل خرب‌شده خرمشهر تصویر معروفی است که برای بسیاری ما از آشناست و اولین تابلوی این مجموعه با الهام از آن پل خلق شد، ولی به مرور زمان مفهوم پل

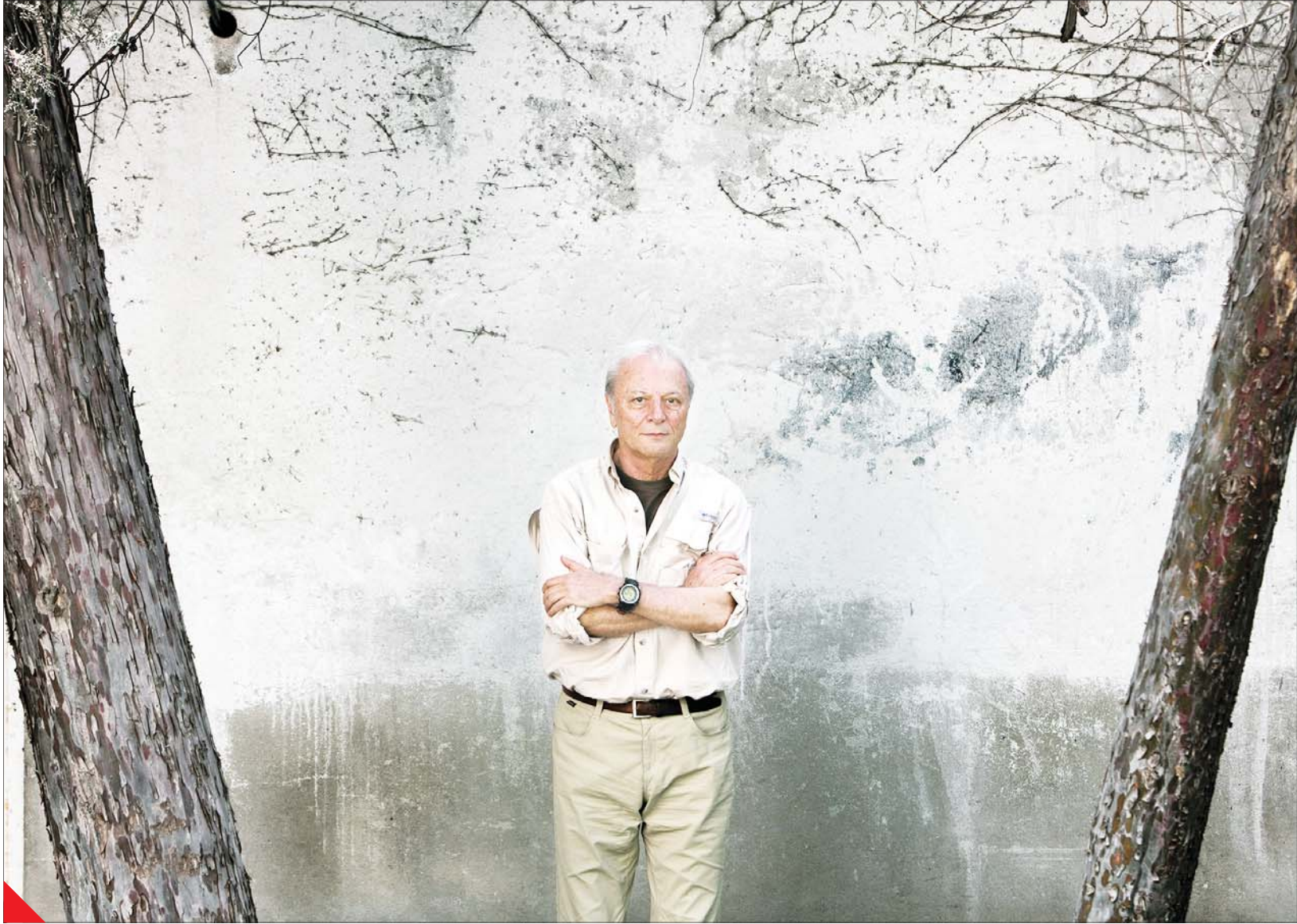


برایم تغییر کرد و دیگر به نمایش یک بنای تخریب‌شده در جنگ اکتفا نکردم. حالا پل می‌تواند استعاره از ارتباط بین نسل‌ها، مهاجرت جوانان، فرهنگ‌های مختلف و حتی سیل مهاجرت‌های اخیر خاورمیانه باشد، اما مهم‌تر از همه این مفاهیم آنچه در این تابلوها دیده می‌شود، مفهوم دل‌به‌درازدن، انتخاب‌کردن و ریسک‌کردن است.

او که سومین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری ایوان برگزار می‌کند و سه نمایشگاه نیز در دوی، سنگاپور و لبنان داشته است، با اشاره به مجموعه دیگری که در این نمایشگاه به نمایش درآمد گفت: یک مجموعه کوچک از سری «سربازها» را هم در کنار مجموعه پل نمایش دادم که پیش از این تعدادی از آنها به صورت تکی در ایران نمایش داده شده بود.

این هنرمند جوان که کارشناس ارشد نقاشی است، افزود: شکل‌گیری این مجموعه به زمانی برمی‌گردد که من سرباز بودم و ندغدغه این موضوع را داشتم. سال ۸۸ اولین کار از این مجموعه در کالری ماه به نمایش درآمد و پس از آن به شکل‌های مختلف به این موضوع پرداختم. سربازهای من از فرهنگ‌ها و جوامع مختلف هستند و به شکلی استعاری به اوتوریته نظامی‌گری طعنه می‌زنند.

این نمایشگاه تا ۱۳ خرداد در گالری ایوان به نشانی الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جیهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره یک برپاست.



عکس: رنوفه رستمی/شرق

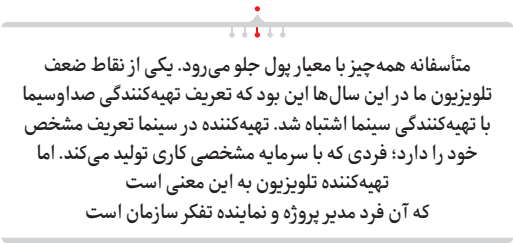
گفت‌وگو با اسماعیل میرفخرایی

مردم خبر با انصاف می‌خواهند

تهیه‌کنندگی را نداشتند، در نتیجه فکر کردند اگر ادای یک برنامه خارجی را دربیاورند این برنامه موفق خواهد شد. از طرف دیگر هم می‌توان گفت اساساً تصویرگری در فرهنگ ما ایرانی‌ها کم بوده، چراکه با فقر تئاتر روبه‌رو بودیم. تلویزیون ما باید سعی می‌کرد که در تمام این سال‌ها تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکارانی با تفکر ایرانی تربیت کند. اساساً یکی از انگیزه‌های راه‌اندازی مدرسه سینما و تلویزیون همین موضوع بود منتها این تفکر در میانه‌های راه به سمت دیگری رفت و کارگردش تغییر کرد. یکی از ساختارهای ایرانی، برنامه‌های گفت‌وگومحور است. ما ایرانی‌ها سال‌های سال قهوه‌خانه داشتیم و بحث و گفت‌وگو جزئی از زندگی روزانه ماست اما الگویی که باید بر اساس آن یک برنامه گفت‌وگومحور موفق تولید شود، وجود نداشته و تقریباً بسیاری از تجربه‌های ما در این زمینه ناموفق بوده است.

❧ **البته بحث اجرا در برنامه‌های گفت‌وگومحور هم موضوع دیگری است که می‌توان نگاه آسیب‌شناسانه‌ای به آن داشت. جدا از محتوا، بسیاری از برنامه‌های گفت‌وگومحور ما به‌لحاظ نوع اجرا، کارهای موفقی نیستند.**

بله. متأسفانه «تاک شو»ی واقعی در ایران نداشتیم و اغلب «تاک شو»های ما ناموفق بوده است و بیشتر مجریان این برنامه‌ها مثل آدم‌های عصافورت‌داده برنامه اجرا کرده‌اند. آداب اجرای چنین برنامه‌هایی نیز متفاوت است. اصلاً در ابتدا باید مجری را محک بزنی که چه جایگاه و مقامی دارد. آیا دانش او برای اجرای برنامه‌ای که به او سپرده شده است کافی است؟ اغلب مجریان ما هنوز نمی‌دانند یا چه میهمانی ظهور باید صحبت کنند. بسیاری از هارداک‌های تلویزیون‌های خارج از کشور، برای اینکه از میهمانشان اطلاعات بگیرند به او حمله می‌کنند، منتها با اطلاعات و دانش با او وارد چالش می‌شوند. اما در کشور ما پرعکس است مثلاً سفیر کشور دوست را به تلویزیون کشورمان دعوت می‌کنیم و با او مثل هارداک رفتار می‌کنیم؛ چون نمی‌دانیم کارکرد مصاحبه چیست.



متأسفانه همه چیز با معیار پول جلو می‌رود. یکی از نقاط ضعف تلویزیون ما در این سال‌ها این بود که تعریف تهیه‌کنندگی صداسوسیمایا تهیه‌کنندگی سینما اشتباه شد. تهیه‌کننده در سینما تعریف مشخص خود را دارد؛ فردی که با سرمایه مشخصی کاری تولید می‌کند. اما تهیه‌کننده تلویزیون به این معنی است که آن فرد مدیر پروژه و تهیه‌کننده تفکر سازمان است

❧ **پس می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که به دلیل نادیده‌گرفتن نگاه ملی در ساخت آثار تلویزیونی شبکه‌هایی مثل «من و تو» کاری را که ما می‌توانیم انجام دهیم، انجام می‌دهند.**

بله. البته مشکل اصلی‌ای که در این زمینه با آن مواجه هستیم نداشتن سواد رسانه‌ای است. از مردم عادی هم نمی‌توان انتظار سواد رسانه‌ای داشت. به‌هرحال سبک زندگی مردم تغییر کرده است. فکر کنید فردی بعد از یک روز پرکار به خانه می‌آید و طبعاً دوست دارد تفریحی داشته باشد و ظاهراً شبکه‌های ماهواره‌ای سرگرمی خوبی برای مردم است. با اینکه ما در تولید برنامه با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم. اما دلیل نمی‌شود که نتوانیم کار خلاقانه‌ای انجام بدهیم. به‌رحال سربال‌ها و برنامه‌های خوبی در سال‌های اخیر ساخته شده است اما بخش اعظمی از تولیدات نیز نیازمند شرایط اقتصادی مطلوب است. پاسخ به این پرسش و بخشی از انتقادهایی که می‌توان مطرح کرد به فرهنگ و تفکر ما و بخشی دیگر به رسانه مربوط است. متأسفانه ما تجربه کافی در تولید برنامه‌های سرگرم‌کننده نداریم. مثلاً همان اوایلی که تلویزیون در ایران راه‌اندازی شد، برنامه نقالی داشتیم. برنامه نقالی به ظاهر به درد تلویزیون نمی‌خورد، اما یا فرهنگ مردم ما هم‌خوانی داشت و از آن استقبال می‌شد، اما چون



بهناز شیربانی

بسیاری اسماعیل میرفخرایی را با اجرای برنامه‌های علمی به خاطر می‌آورند. هرچند فعالیت او در تلویزیون بعد از انقلاب محدودتر شد و ردیای او در ساخت و تولید بسیاری از برنامه‌های پر مخاطب رادیو و تلویزیون دیده می‌شود، اما عمده‌ترین فعالیت او در تمام این سال‌ها، آموزش بوده است؛ نکته‌ای که اتفاقاً آن را کلیدی‌ترین عامل موفقیت تلویزیون می‌داند.
بما میرفخرایی درباره شرایط حال حاضر تلویزیون صحبت کردیم.

❧ **مدت‌زمان زیادی از ایران دور بودید. ماجرای ترک ایران چه بود؟ بعد از انقلاب من به بازنشستگی دچار شدم. طبعاً بعد از انقلاب بسیاری از تهیه‌کنندگان تلویزیون شغلشان را از دست دادند. من هم در ۳۰ سالگی بازنشسته شدم. بعد از آن هیچ وقت شغل تلویزیونی نداشتم و گهگاه بر اساس نیازی که تلویزیون احساس می‌کرد، برنامه‌هایی تولید می‌کردم. از جمله برنامه «با طبیعت» به تهیه‌کنندگی آقای آتش‌افروز و اجرای من، که در زمان خودش مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت.**

❧ **البته شایعاتی در مورد ممنوع‌التصویرشدن شما هم وجود داشت. من تقاضای تصویری نداشتم که چنین مشکلی ایجاد شود. ممکن است برخی دوست نداشته باشند در تلویزیون کار کنم، اما هیچ وقت ممنوع‌التصویر نبوده‌ام. معیشت من در تمام این سال‌ها از طریق ساختن فیلم برای کارخانه‌ها و فعالیت در این حیطه به‌صورت آزاد بوده است. بنابراین تلویزیون محل رزق من نبوده و درحال‌حاضر بازنشسته تلویزیون هستم. من همیشه عاشق کارم بودم. سال دوم رشته زیست‌شناسی بودم که تلویزیون ملی ایران شروع به فعالیت کرد و من به‌عنوان گوینده برنامه‌ها کارم را در تلویزیون آغاز کردم. آن زمان در میان برنامه‌ها، ساعت پخش برنامه‌های بعد از اعلام می‌کردم، چراکه نیاز بود زمانی بگذرد تا دستگاه‌ها برنامه‌های بعد را آماده کنند و مثل الان همه چیز با دستگاه‌های پیشرفته انجام نمی‌شد.**

گاهی وقت‌ها هم خبر می‌خواندم. آن زمان به خواست رئیس تلویزیون برای تحصیل در رشته رسانه به آمریکا سفر کردم. بعد از اتمام تحصیل به ایران آمدم و مهرمان با انقلاب و بعد از آن طی پاکسازی کارکنان تلویزیون، با سه‌مرتبه تنزل از مقام مدیر برنامه از شبکه دو، به تهیه‌کنندگی رسیدم و بازنشسته شدم. خوشحالم که این پاکسازی برای من به شکل بازنشستگی بود؛ چراکه از شرایط التهای بیرون آمدم و اینکه می‌توانم از برخی امکانات صداسوسیمای استفاده کنم. درنتیجه بسیاری از برنامه‌هایی که بعد از انقلاب در صداسوسیمای کار کردم بر اساس قرارداد مودی بود. مثل مشارکت در راه‌اندازی رادیو گفت‌وگو. در تمام این سال‌ها، ارتباط من با رادیو و تلویزیون به طور کل قطع نشد. اما نسل جوان ممکن است من را نشناسد چرا که رابطه مستمر با رادیو و تلویزیون نداشتم.

❧ **به‌واسطه تجربه شما به جهت تولید برنامه در خارج از کشور و ایران، فکر می‌کنید به چه دلیل طی چندسال اخیر برخی از برنامه‌های تلویزیون ما تقلیدی از برنامه‌های پربیننده خارجی شده است؟**

به نظر من یکی از دلایل آن فنی است. ماهواره پیش از اینکه در ایران فراگیر شود، در خارج از کشور تجربه شده بود. ۲۳۰ سال بعد از دنیا تجربه روزنامه در ایران به انجام رسید و ۷۰ سال پس از آن، روزنامه هم مثل رادیو-تلویزیون در کنترل دولت بود. مجموعاً ۳۰۰ سال عقب هستیم. در نتیجه بسیاری از شبکه‌های خارجی در طی مدت‌زمانی طولانی مخاطبان داخلی ما را جذب کردند. دیگر موردی که به نظر من در پاسخ به این پرسش نکته مهمی است موضوع خبر است. مردم به‌دنبال خبر با انصاف هستند. مردم مسأ بیش از هر چیزی این‌روزها برای تفریح و سرگرمی جذب ماهواره‌ها و شبکه‌های خارجی شده‌اند. تلویزیون ما به دلیل تجربه کم در انتخاب تهیه‌کنندگان در طی سال‌های اخیر، بخش زیادی از مخاطبانش را از دست داد. اما به ماجرای تقلید می‌توان از زاویه دیگری هم نگاه کرد. متأسفانه ما هیچ‌وقت مدل ملی و ایرانی برای تصویرگری نداریم و طبیعی است که برخی گمان کردند با تقلید از برخی برنامه‌های پر مخاطب خارجی می‌توان مخاطب را با خود همراه کرد. معتقدم که ایده اجرашده به‌هیچ‌وجه کاربرد ندارد و هر آدمی باید از خودش خلاقیت و ایده داشته باشد. متأسفم که در طی این سال‌ها تهیه‌کنندگانی سر کار آمدند که کفایت